

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد» در ترجمه فارسی قرآن کریم

مریم رشیدی^۱، سیده مریم روضاتیان^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، ایران

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۶

دریافت: ۹۶/۸/۲۸

چکیده

در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم برای فعل «کاد» و صیغه‌های مختلف آن که مسئله‌ای بحث‌برانگیز در آثار نحوی، تفسیری و تحقیقی است، معادل‌های متعددی برگزیده شده است. یکی از این معادل‌ها، ساخت‌های فعلی مصدر «خواستن» است که در برخی از ترجمه‌های کهن و معاصر انتخاب شده است. پژوهش حاضر با بررسی ترجمه‌های مذکور و با دامنه‌ای محدود در ۶۰ ترجمه منشور، به این مسئله می‌پردازد که آیا «خواستن» می‌تواند بار معنایی «کاد» را در ترجمه آیات قرآن انتقال دهد و کارکرد دقیق آن را عهده‌دار شود یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از بیان ویژگی‌های نحوی و بلاغی فعل «کاد» در زبان عربی، ویژگی‌های «خواستن» در دستور زبان فارسی ارزیابی و کارکرد بلاغی آن بررسی می‌شود. سپس با رویکردی تحلیلی- تطبیقی، آیاتی که «خواستن» را به عنوان برابر فارسی «کاد» می‌پذیرد، شناسایی و با اقامه دلایل نحوی- بلاغی، کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان یکی از برابره‌های معنایی مناسب برای فعل «کاد» در ترجمه قرآن، تبیین می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر دال بر این است که فعل «کاد» با احتوای مفهوم کلی مقاربه‌الامر، در برخی آیات، حامل معنای اراده کردن، میل داشتن و قصد داشتن برای انجام دادن فعلی دیگر است و در برخی آیات، حامل معنای پیش‌بینی، توقع، انتظار، امکان و احتمال وقوع فعلی دیگر که در هر دو مورد، «خواستن» با احتوای مفاهیم مشابه و متعارف در زبان فارسی، می‌تواند بار معنایی «کاد» در آیات مورد نظر را انتقال دهد و کارکرد آن را متناسب با ساختار زبان فارسی، بر عهده گیرد.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، کاد، خواستن، نحو، بلاغت

۱- مقدمه

یکی از دانش‌های ضروری در فن ترجمه، آگاهی مترجم از قواعد و رموز فصاحت و بلاغت در زبان مبدأ و مقصد است. این ضرورت، هنگامی که متن مبدأ، کلام‌الله است بیش‌تر درک می‌شود؛ زیرا رسالت معنوی مترجم، ابلاغ بی‌کم و کاست کلام الهی به غیر عرب زبان‌هاست و تسلط بر بلاغت هر دو زبان است که مترجم را در ایفاد و القای بهتر مفاهیم قرآنی یاری می‌رساند. در ترجمه فارسی قرآن نیز، بایسته است مترجم بر دانش‌های لازم برای این امر خطیر، از جمله فنون ادبی و به‌ویژه بلاغت عربی و فارسی تسلط داشته باشد تا بتواند ظرایف زبانی قرآن را دریابد و متناسب با ساختار زبان فارسی و وافی به مقصود اصلی آیات، به انتخاب معادل‌های مناسب در محور جانشینی و همنشینی بپردازد.

این رسالت خطیر، قطعاً چالش‌هایی نظری و عملی در امر ترجمه ایجاد می‌کند که پرداختن به آن‌ها مستلزم همکاری، هم‌فکری، هم‌پوشانی و هم‌افزایی اهل فن است. هر محققى که بتواند جزئی از این کل سترگ را برعهده گیرد و پُرکننده بخشی از خلأهای موجود باشد، ضروری است در انجام این مهم به ایفای نقش بپردازد.

۱-۱- بیان مسئله

فعل مقاربه «کاد»، دارای ساخت‌های مختلفی بوده و ویژگی‌های معنایی آن در قرآن‌کریم، از مسائل بحث‌برانگیز در آثار نحوی، تفسیری و تحقیقی است. در ترجمه‌های فارسی قرآن‌کریم، معادل‌های متعددی برای این فعل در نظر گرفته شده است که برخی از آن‌ها فاقد صلاحیت لازم برای انتقال معنی دقیق «کاد» و برخی منطبق با معنای آن است. پژوهش حاضر در پی یافتن و معرفی معادلی مناسب برای فعل «کاد» در آیات شریفه قرآن است و فعل «خواستن» را که در برخی ترجمه‌های کهن و معاصر و برخی

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

آیات به درستی برگزیده شده است، مورد مطالعه علمی و زبان‌شناختی قرار می‌دهد و صحت استعمال و انطباق دقیق این معادل را با تحلیلی دستوری- بلاغی تبیین می‌کند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پیرامون مختصات نحوی فعل «کاد» در قرآن کریم و تفاوت‌های معنایی ساخت‌های مثبت و منفی آن، دیدگاه‌هایی مختلفی وجود دارد که در قدیم‌ترین منابع نحوی تا آثار معاصر اظهار شده و بر تفاسیر قرآن و ترجمه‌های فارسی آن تأثیر گذاشته است. درباره این ویژگی‌ها و تأثیر آن بر ترجمه‌های فارسی، پژوهش‌هایی صورت گرفته و مقالاتی چند به رشته تحریر درآمده است که پیشینه‌ای برای تحقیق حاضر محسوب می‌شود.

احمد حوفی در مقاله «معنی کاد فی الثابت و النفی»، ساختار مثبت و منفی فعل «کاد» و معانی متفاوت آن را در قرآن کریم و اشعار عرب، بررسی کرده است. ترجمه فارسی این افعال و معادل‌های معنایی آن‌ها مطمح نظر و موضوع مقاله مذکور نبوده است (۱۳۹۴). سید بابک فرزانه در مقاله‌ای تحت عنوان «معنای فعل کاد در قرآن» به بررسی معنایی ساختار مثبت و منفی فعل «کاد» در نحو و تفاسیر قرآن پرداخته است (۱۳۸۵). جواد آسه در مقاله‌ای با عنوان «درنگی در ترجمه فعل‌های کاد/ یکاد، لایکاد و لم یکد در ترجمه‌های قرآن» برابری فعل «کاد» در نه ترجمه فارسی را بررسی و فعل «نمی‌تواند» را به عنوان معادلی مناسب برای افعال «لایکاد و لم یکد» شناسایی و مطرح کرده است (۱۳۹۰). علی سلیمی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کاربردهای فعل کاد در قرآن کریم با نگاهی به آرای مفسران»، به بررسی معنای «کاد» در عبارت ﴿کَادَ اخْفِیْهَا﴾ (طه/۱۵) پرداخته‌اند (۱۳۹۲). محمدرضا شیرخانی و ناصر چعباوی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی فعل مقاربه کاد/ یکاد از دیدگاه زبان‌شناسی»، معادل‌های فارسی فعل «کاد» را در چهار ترجمه فارسی، نقد و ارزیابی کرده و پیشنهاد داده‌اند، مترجمان

جدید قرآن، قبل از ترجمه، لغزش گاه‌های ترجمه‌های پیش از خود را شناسایی و بررسی کنند (۱۳۹۳).

اگرچه موضوع مشترک پژوهش‌های مذکور، فعل «کاد» و ویژگی‌های نحوی و معنایی آن در آیات قرآن است، لیکن مسئله و پرسش محوری تحقیق حاضر در هیچ‌یک از آن‌ها طرح و بررسی نشده است. افزون بر آن، تحلیل و تطبیق زبان‌شناختی - معنی - شناختی، استدلال مبتنی بر نحو و بلاغت عربی و فارسی، استناد مبتنی بر تاریخ زبان فارسی دری از ابتدا تاکنون، حیطه پژوهشی جامع و مبتنی بر کارکردهای متعدد «کاد» در تمامی آیات و دامنه وسیع و دربرگیرنده ۶۰ ترجمه از کهن‌ترین ترجمه‌های قرآن تا ترجمه‌های معاصر، پژوهش حاضر را از رویکردی متفاوت برخوردار ساخته است که در مطالعات ترجمه علمی و دقیق ضرورت دارد.

۱-۳- سؤالات پژوهش

این پژوهش با طرح سؤالات بنیادی ذیل، در صدد است پرسشی نهایی و محوری را پاسخ دهد:

۱- برای دریافت معنا و مفهوم «کاد» در آیات متعدد قرآن کریم، چه عواملی باید در نظر گرفته شود؟

۲- آیا فعل «کاد» در تمامی آیات قرآن، حاوی معنای واحدی است یا معانی متعددی را حمل می‌کند؟

۳- معانی متعدد و متمایز فعل «کاد» در آیات قرآن کریم، چیست؟

۴- برای انتقال معنا و مفهوم فعل «کاد» در ترجمه، به کدام عوامل مؤثر در معادل‌گزینی و برابرسازی باید توجه داشت؟

۵- آیا می‌توان برای فعل مقاربه «کاد» در همه آیات، برابر فارسی مشابهی انتخاب کرد؟

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

۶- معادلی گویا در زبان فارسی که بتواند غالب مفاهیم و اغراض «کاد» در غالب آیات را انتقال دهد و از کارکردی منطبق و مشابه با «کاد» برخوردار باشد کدام است؟

و در نهایت سؤال اصلی و محوری:

آیا فعل «خواستن» می تواند معادلی بلیغ و شیوا برای انتقال معنا و مفهوم فعل «کاد» در ترجمه فارسی قرآن باشد یا خیر؟

تحقیق پیش رو برای رسیدن به پاسخ سؤال اصلی و حل مسئله، مختصات نحوی- بلاغی فعل «کاد» و افعال مشتق از مصدر «خواستن» را با تحلیلی بنیادی بررسی و کارکرد مشابه و قابل انطباق آن ها را تبیین می کند. سپس فعل مقاربه «کاد» و بار معنایی و غرض بلاغی آن را در آیات متعدد قرآن کریم می کاود و با رویکردی تحلیلی- تطبیقی، آیاتی که فعل مقاربه «خواستن» را در برابر «کاد» و مفید معانی مجزای آن در ترجمه می پذیرند، شناسایی و دسته بندی می کند. از این طریق، پرسش محوری پژوهش را پاسخ می دهد و با استشهاد از ترجمه هایی منشور که از ۶۰ ترجمه بررسی شده کهن و معاصر^۱ استخراج شده است، فرضیه پژوهش را تبیین می کند.

۴-۱- فرضیه پژوهش

پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که «خواستن» با کارکرد مقاربه، در برخی از آیات قرآن، معادلی مناسب و مشابه برای «کاد» و متناسب با ساختار زبان فارسی، مرجح بر معادل های دیگر است. پیش فرض آن، اشتراک و انطباق نحوی- بلاغی هر دو فعل در زبان عربی و فارسی است.

۲- مبانی نظری پژوهش

برای انتقال معنا و مفهوم فعل مقاربه «کاد» در زبان فارسی، معادل هایی متعدد وجود دارد که می تواند نقش و کارکرد آن را در انتقال اغراض مختلف عهده دار شود. نکته

قابل توجه این است که در ترجمه آیات متعدد، متناسب با ساختار کلی آیه و به اقتضای احوال حاکم بر آیه یا اصطلاحاً قراین حالیه، بهترین معادل انتخاب شود تا در القای معنای موردنظر، بیشترین تأثیر را داشته باشد. در این صورت است که وظیفه کاربردی و بلاغی الفاظ، در محور جانشینی و همنشینی مراعات و وظیفه بلاغی مترجم نیز انجام می‌شود.

برای فعل مقاربه «کاد» نمی‌توان در همه آیات، حتی در آیاتی که این فعل با ساخت مشابهی به کار رفته است، برابر فارسی مشابهی قرارداد؛ زیرا برای انتقال پیام به مخاطب عوامل متعددی دخالت دارد که در ترجمه نیز باید رعایت شود. یک کلمه در بافت‌های گوناگون موقعیتی، می‌تواند معانی گوناگونی را انتقال دهد و برگزیدن معادلی واحد برای آن کلمه در ترجمه جملات مختلف، به گزیده‌برداری معنایی^۲ منجر و قطعاً مخل انتقال پیام خواهد شد. برای دریافت مفهوم صحیح کلمه در جملات گوناگون، قراین قالیه و حالیه، اقتضای احوال و مقامات و سیاق کلی سخن، نقشی اساسی بر عهده دارند. فعل «کاد» نیز با معنای حقیقی و کارکردی خود، اغراض بلاغی متعددی را در آیات قرآن تأمین می‌کند که در ترجمه باید مورد توجه قرار گیرد و متناسب با آن، معادلی که بتواند اغراض اصلی آیات را انتقال دهد، برگزیده شود. در معنای کارکردی، «کلمه (با هر دو معنای حقیقی و استعمالی) در خلال ترکیب با کلمات دیگر دارای کارکردی است که به‌خاطر آن در این ترکیب به‌کار رفته است» (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) و این معنای کارکردی در معادل‌گزینی هم باید در نظر گرفته شود.

برای تبیین کارکرد بلاغی افعال منشعب از مصدر «خواستن» در ترجمه‌های آیات متعدد و رسیدن به پاسخ دقیق پرسش محوری پژوهش، ویژگی‌های نحوی و بلاغی فعل «کاد» و «خواستن» در بخش‌های آتی بررسی می‌گردد تا به تطبیق و تحلیلی مقتضی منجر شود.

۲-۱- ویژگی‌های نحوی و بلاغی فعل «کاد»

فعل «کاد» یکی از نواسخ و افعال مقاربه در نحو عربی است که بر نزدیکی وقوع خبر دلالت می‌کند و به صورت ماضی و مضارع به کار می‌رود، خبرش همواره فعل مضارع است و گاهی با آن همراه است و گاهی نیست؛ البته غالباً همراه نیست.^۳ درواقع «خبر این افعال، جمله فعلیه‌ای است که فعل آن مضارع می‌باشد و این فعل ضمیری را به عنوان فاعل رفع می‌دهد که به اسم افعال مورد بحث برمی‌گردد» (رادمنش، ۱۳۷۰: ۷۸) و خود قابل تأویل به اسم فاعل است (ن.ک: زمخشری، بی‌تا: ۱۲۱).

لزوم مضارع بودن خبر افعال مقاربه، بدان سبب است که این افعال بر قرب حصول خبر دلالت دارند و وقوع خبر در آن‌ها مربوط به زمانی جلوتر از زمان بیان فعل مقاربه است که نسبت به آن، زمان مستقبل به حساب می‌آید؛ «پس مناسب آن است که فعل مضارع، خبر باشد به جهت آن که افاده می‌کند استقبال را» (بناء یزدی، بی‌تا: ۱۴۶)؛ نیز ن.ک: همان: ۱۴۷). اغلب منابع نحوی بر عدم وقوع خبر در این افعال تأکید دارند (ر.ک: حسن، ۱۹۶۶: ۵۵۷)؛ هرچند این بحث، اختلاف نظر و توجیهات متفاوتی را موجب شده است.

اغلب نحویان، بلاغیان و پژوهشگران برای تبیین معنا و کارکرد «کاد»، به آیات قرآن استناد کرده و عدم وقوع خبر «کاد» را در همه این آیات به استثنای یک آیه، (بقره/ ۷۱)، دال بر این قاعده دانسته‌اند که «کاد» بر عدم وقوع خبر خود دلالت دارد؛ در صورتی که همان یک آیه استثنا کافی است که دلالت لفظ «کاد» بر عدم وقوع خبر را قاعده‌ای نحوی بلاغی ندانیم؛ حتی اگر در بیش‌تر موارد حاکی از عدم وقوع خبر باشد.

آنچه درباره نفس افعال مقاربه مسلم است این است که داخل شدن افعال مقاربه بر سر مبتدا و خبر، قطعیت را از خبر سلب می‌کند و با امکان و احتمال همراه می‌سازد. این نکته نشان می‌دهد که فعل مقاربه «کاد» قطعیت وقوع خبر را از بین می‌برد بنابراین

وقوع یا عدم وقوع خبر را از عواملی دیگر باید دریافت کرد نه از حضور فعل «کاد» به تنهایی.

آثار نحوی و بلاغی درباره معنای «کاد»، تنها به مفهوم کلی مقاربه الامر و دلالت بر نزدیکی وقوع خبر اشاره کرده اند؛ در حالی که مقاربه الامر، مفاهیمی چند را حمل می کند و برای دریافت مفهوم جمله ای که با قید بلاغی «کاد» مقید شده است، باید به این مفاهیم چندگانه دقت شود. درواقع مقاربه الامر محمول بر فعل «کاد»، مفهومی کلی است و حاوی معانی و اغراضی متعدد است که از اقتضای احوال و مقامات سخن دریافت می شود (ن.ک: دیباجی، ۱۳۷۶: ۹۹؛ هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۲). این معانی و مفاهیم چندگانه را می توان با توجه به ژرف ساخت جمله ای که فعل «کاد» در آن به کار رفته است و با عنایت به قراین قالیه و حالیه موجود در کلام، تشخیص داد.

با دخول فعل «کاد» بر مبتدا و خبر، وقوع خبری که فعل مضارع است از قطعیت خارج و به تبع آن به مفهوم امکان، احتمال و مقاربه مقید می شود. یکی از معانی محمول بر مقاربه، علاوه بر امکان و احتمال فوق الذکر، توقع و انتظار وقوع فعل است که با بیان نزدیکی وقوع فعل و اخبار از آن همراه است. وقتی قرب وقوع فعلی گزارش می شود؛ درواقع چشم داشت، توقع و انتظار وقوع آن نیز مطرح می شود. یکی دیگر از معانی محمول بر مقاربه، آهنگ کردن سوی چیزی است (ن.ک: دهخدا، ۱۳۷۳: منقول از منتهی الارب، آندراج و ناظم الاطبا) و آهنگ کردن نیز به معنی قصد کردن، عزم و عزیمت است. لذا قصد کردن، میل داشتن و اراده کردن برای به جا آوردن و انجام دادن فعلی دیگر، یکی دیگر از مفاهیمی است که در فعل مقاربه «کاد» مندرج است.

در واقع هنگامی که قرب و نزدیکی وقوع فعلی با فعل مقاربه «کاد» گزارش می شود، مقاصدی چند اراده می شود. این فعل با ساختار ماضی دال بر دو مقصود است:

۱- «قصد و اراده» انجام قریب الوقت فعلی در زمان گذشته

۲- «پیش بینی و انتظار» وقوع قریب الوقت فعلی در زمان گذشته

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

در این ساختار، هم قصد و اراده، هم پیش‌بینی و انتظار، هر دو متعلق به زمان گذشته است و فعل مضارعی که خبر «کاد» به‌شمار می‌آید، متعلق است به زمانی جلوتر از آن که البته نسبت به زمان فعل «کاد»، مستقبل محسوب می‌شود و وقوع یا عدم وقوع آن قطعی نیست. این فعل با ساختار مضارع نیز دال بر دو مقصود است:

۱- «قصد و اراده» انجام قریب‌الوقت فعلی در زمان حال

۲- «پیش‌بینی و انتظار» وقوع قریب‌الوقت فعلی در زمان حال

در این ساختار، هم قصد و اراده، هم پیش‌بینی و انتظار، هر دو متعلق به زمان حال است و فعل مضارعی که خبر «کاد» به‌شمار می‌آید، متعلق است به زمانی جلوتر از آن یعنی زمان مستقبل که البته وقوع یا عدم وقوع آن قطعی نیست. کارکردهای مذکور را از طریق معنا و دقت در ژرف‌ساخت جمله می‌توان به‌دست آورد.

۲-۲- ویژگی‌های «خواستن» در دستور زبان و بلاغت فارسی

«خواستن» در دستور زبان فارسی، هم از افعال تام شمرده می‌شود هم از افعال ناقص (ر.ک: خیامپور، ۱۳۷۵: ۷۱-۷۴؛ باطنی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). در جایگاه فعل تام، معنی اصلی خود را داراست و از کاربردهایی صریح و روشن برخوردار است. در جایگاه فعل ناقص، فعلی تابع‌پذیر است که برای تمام شدن مفهوم خود محتاج فعل دیگری است و در ادوار مختلف، زبان فارسی با صورت‌های صرفی مختلف استعمال شده و کارکردهایی چند را بر عهده داشته‌است.

برجسته‌ترین کارکرد این فعل در جایگاه فعل ناقص، ایفای نقش به‌عنوان فعل کمکی در ساختن فعل مستقبل است؛ فعلی که قرار است در زمان آینده نزدیک یا آینده دور وقوع یابد و در آغاز با صورتی واحد برای بیان دو معنی مختلف به‌کار می‌رفته است: «در دوره نخستین فارسی دری، صیغه خاص و مستقلى برای زمان آینده وجود ندارد و معین فعل «خواستن» با تابع مصدر تام یا مصدر کوتاه (مرخم) عام است برای

بیان دو معنی مختلف که یکی قصد و اراده اجرای فعل و دیگری بیان جریان فعلی در زمان آینده است. اما از همین زمان تفکیک این دو معنی و بیان هریک با ساختمان جداگانه آغاز شده است؛ به این طریق که برای بیان جریان فعل در زمان آینده صورت صرفی مضارع معین فعل «خواستن» با مصدر کوتاه غلبه دارد؛ اما برای بیان قصد، فعل تابع به صیغه مضارع التزامی در اکثر موارد به کار می‌رود و به این طریق مقدمات تفکیک این دو مورد استعمال انجام می‌گیرد» (ناتل خانلری، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

فعل آینده یا مستقبل صریح، در دستور معاصر دارای یک ساختار است که عبارت از صیغه مضارع «خواستن» به همراه مصدر مرخم فعل اصلی است. ساختار صریح فعل آینده «به یکی از مفاهیم زیر اشاره می‌کند:

الف) رویداد فعل در زمان آینده؛ مثل: همه این خبر را خواهند شنید.

ب) بیان تصمیم یا قصد قطعی به انجام دادن فعل؛ مثل: ما این قطعنامه غیرعادلانه را نخواهیم پذیرفت» (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۸۶: ۵۹).

هرچند مقید کردن مفهوم «ب» به قید قطعیت جای تأمل دارد و تحلیل ذیل در افاده مفهوم مذکور، به حقیقت معنایی آن نزدیک‌تر است: «گاهی از ساختار فعل مستقبل، مفهوم اراده انجام دادن کار استنباط می‌شود نه مفهوم وقوع کار در زمان آینده؛ یعنی فعل «خواستن» در همان معنی اصلی و لغوی خود که اراده کردن و خواستار بودن است به کار می‌رود و نقش فعل شبه‌معین دارد نه معین و بن ماضی (مصدر مرخم) و مصدر تام درواقع مفعول فعل شبه‌معین خواستن است و معنی ترکیب (خواهم رفت)، (رفتن را می‌خواهم = می‌خواهم بروم) است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

امروزه علاوه بر ساختار یگانه مستقبل صریح، ساختار دیگری از ترکیب «خواستن» با تابع مضارع التزامی کاربرد دارد که بر مفهوم قصد و اراده اجرای کار در زمان آینده نزدیک دلالت دارد و ما آن را مستقبل غیرصریح^۵ یا قریب‌الوقوع می‌نامیم. برخی دستورنویسان آن را مضارع قریب نامیده‌اند؛ «مضارع قریب، افعالی باشند که زمانشان

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

به زمان سخن گفتن نزدیک باشد: می خواهم بگویم، می خواهم بروم» (حسین، ۱۹۷۵: ۵۷) و از ادوار نخستین فارسی دری نیز تاکنون با صور مختلف به کار می رفته است؛ گاه بدون فاصله بین خواستن و تابع آن و گاه با فاصله بین آن‌ها (ن.ک: ناتل خانلری، ۱۳۸۸: ۱۰۴-۱۰۷).

اجمالاً می توان گفت موارد استعمال ساخت‌های «خواستن» در زبان فارسی ۳ مورد است:

۱- فعل تام با معنای حقیقی

۲- فعل معین برای ساختن مستقبل

۳- فعل شبه معین برای بیان مفهوم قصد و اراده انجام کار که دلالت دارد بر میل داشتن برای به جا آوردن فعلی دیگر (ر.ک: همایون فرخ، بی تا: ۸۷۸).

یکی از کاربردهای رایج فعل ناقص «خواستن» در زبان فارسی، کاربرد مقاربه آن است که در دستور سنتی مطرح شده ولی در دستورهای نوین مغفول مانده است. از آنجا که کارکرد مذکور، موضوع محوری پژوهش حاضر را تبیین می کند، در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد.

بحث افعال مقاربه اساساً متعلق به نحو عربی است؛ اما برخی از متقدمان فارسی زبان نیز اصطلاح افعال مقاربه را از نحو عربی وام گرفته و بر دسته ای از افعال فارسی که دارای کارکردی مشابه با افعال مقاربه عربی هستند، اطلاق کرده اند. از آن میان، آثاری که «خواستن» را از افعال مقاربه شمرده اند، قابل توجه است؛ زیرا تشریح و تبیین یکی از کارکردهای رایج «خواستن» را که منطبق بر فعل مقاربه کاد است، ایجاب می کند.

منهاج الطلب^۶، «خواستن» را از افعال مقاربه شمرده و در ضمن بحث به جمله های زیر استناد کرده است: «خواست که لاله بشکفت. آینه جمال نمای حضرت الوهیت خواست بود. آخر روز قیامتی خواهد بود» (ن.ک: زینمی، ۱۳۶۰: ۴۷). برخی نیز ترکیب های ذیل را برای افعال مقاربه شاهد آورده اند: «افعال مقاربه از قبیل خواست کرد

و خواست شد و خواست بود و خواست رفت و غیره یعنی: می‌خواست بکند و می‌خواست بشود و می‌خواست بباشد و می‌خواست برود» (بهار، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۶۲؛ ن.ک: مشکور، ۱۳۶۶: ۷۸). ناتل خانلری یکی از موارد استعمال «خواستن» را بیان نزدیک بودن وقوع فعل برمی‌شمرد و خواستن را در این مورد از افعال مقاربه می‌داند و این مثال‌ها را از آثار کهن شاهد می‌آورد: «همچنان‌که درد آماس آن روز صعب‌تر باشد که بخواهد پخت. آفتی که از پیش خواهد رسید به دست باز توان داشت» (۱۳۸۸: ۱۰۷). فرشیدورد نیز افعال زیر را برای صیغه‌هایی از «خواستن» که با مصدر به‌کار رفته است و بر میل و قصد و مقاربه دلالت دارد، مثال آورده است: «خواست رفتن، خواستی رفتن، یعنی می‌خواست برود یا نزدیک بود برود» (۱۳۴۸: ۱۳۳).

اگرچه صاحب‌نظران فوق، تنها باب این بحث را گشوده و تدقیق و تفصیل آن را وانهاده‌اند؛ مثال‌های مطرح در آثارشان راه‌گشاست و نشان می‌دهد که کارکرد مقاربه «خواستن» هم با صیغه ماضی هم با صیغه مضارع و ساخت مشابه مستقبل صریح، از ادوار نخستین زبان فارسی تاکنون با صورت‌های صرفی متفاوت رواج داشته‌است. واقعیت این است که هرگاه فعل «خواستن» در مقام فعل ناقص و تابع‌پذیر با فعلی تابع به‌کار رود و مفهوم قصد و اراده اجرای کار در زمانی نزدیک را در برداشته باشد و نیز وقوع کار در زمان آینده را با پیش‌بینی، انتظار، امکان و احتمال بیان کند نه با قطعیت، کارکرد مقاربه را عهده‌دار می‌شود و می‌تواند علاوه بر صیغه ماضی، با صیغه مضارع و در ساختار مستقبل صریح و غیرصریح نیز به ایفای این نقش بپردازد. به عبارتی دیگر، فعل مقاربه «خواستن» با ساختار ماضی می‌تواند بر دو معنی دلالت کند:

- ۱- «قصد و اراده» انجام قریب‌الوقت فعلی در زمان گذشته
- ۲- «پیش‌بینی و انتظار» وقوع قریب‌الوقت فعلی در زمان گذشته

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

در این ساختار، هم قصد و اراده، هم پیش‌بینی و انتظار، هر دو متعلق به زمان گذشته است و فعل تابع پس از فعل ناقص «خواستن» متعلق به زمانی جلوتر از آن است که البته نسبت به زمان فعل «خواستن»، آینده محسوب می‌شود و وقوع یا عدم وقوع آن قطعی نیست. این فعل با ساختار مضارع و مستقبل صریح و غیرصریح نیز می‌تواند بر دو معنی دلالت کند:

۱- «قصد و اراده» انجام قریب‌الوقت فعلی در زمان حال

۲- «پیش‌بینی و انتظار» وقوع فعلی در زمان حال

در این ساختار، هم قصد و اراده، هم پیش‌بینی و انتظار، هر دو متعلق به زمان حال است و فعل تابع پس از «خواستن»، متعلق به زمانی جلوتر از آن یعنی زمان آینده است که البته وقوع یا عدم وقوع آن قطعی نیست. کارکردهای مذکور تنها از طریق معنا و دقت در ژرف‌ساخت جمله به دست می‌آید.

۲-۳- انطباق نحوی- بلاغی کارکرد مقاربه «خواستن» با فعل مقاربه «کاد»

مقایسه کارکرد مقاربه «خواستن» با فعل مقاربه «کاد» در نحو و بلاغت، تشابه و انطباق نحوی و بلاغی آن‌ها را به شیوه‌ای مستدل و منطقی آشکار می‌سازد. مشابهت‌های این افعال را در هر دو زبان می‌توان چنین برشمرد:

الف) هر دو فعل از افعال ناقص و تابع‌پذیرند و برای تکمیل معنی خود به فعلی دیگر نیازمند هستند (ن.ک: حسینی طهرانی، ۱۴۰۹: ۱۰۹).

ب) فعل تابع آن‌ها همواره مضارع است؛ البته فعل تابعی که پس از کارکرد مقاربه «خواستن» می‌آید در ظاهر و لفظ همیشه صیغه مضارع نیست؛ ولی با دقت در معنی، همواره به صیغه مضارع تأویل می‌شود.

ج) هر دو فعل، هم با ساختار ماضی و هم با ساختار مضارع کاربرد دارند.

د) خبر و تابع فعل «کاد» گاهی با حرف «أن» و تابع فعل «خواستن» نیز گاهی با حرف ربط «که» یا «تا» همراه است. به عبارت دیگر، در زبان فارسی گاهی یکی از حروف ربط «که» و «تا»، فعل «خواستن» و تابع آن را به هم می‌پیوند و دقیقاً نقش آن را در همراهی خبر «کاد» ایفا می‌کند. حرف «أن» در فارسی برابر با حرف ربط «که» است که پس از آن فعل مضارع ساده یا التزامی درآید» (طیبیان، ۱۳۸۷: ۱۷).

ه) هر دو فعل بر نزدیکی وقوع و حصول فعل یعنی مقاربه‌الامر دلالت دارند.

و) هر دو فعل در اغلب موارد، یکی از معانی قصد و اراده برای انجام فعل در زمانی نزدیک یا پیش‌بینی و انتظار وقوع فعل در زمانی نزدیک را حمل می‌کنند.

ز) هر دو فعل در اغلب موارد، معنای قطعیت را از فعل پس از خود سلب می‌کنند و معنای امکان و احتمال به آن می‌بخشند.

ح) علامت نفی، قبل از «کاد»، فعل «کاد» و معنای محمول بر آن و علامت نفی پیش از فعل مضارعی که خبر «کاد» است، فعل مضارع و خبر «کاد» را منفی می‌کند. کارکرد مقاربه «خواستن» نیز چنین است؛ علامت نفی پیش از آن، فعل «خواستن» و معنای مندرج در آن و علامت نفی پیش از تابع، فعل تابعش را منفی می‌کند.

ط) حضور هیچ‌یک از دو فعل، به تنهایی نمی‌تواند دال بر وقوع یا عدم وقوع فعل پس از خود باشد بلکه این معنی را اقتضای احوال تعیین می‌کند.

ی) هر دو فعل از منظر علم معانی در اغلب موارد، قید بلاغی به شمار می‌آیند و فعل پس از خود و به تبع آن کل جمله را به یکی از مفاهیم محمول بر خود مقید می‌کنند.

۳- «خواستن» معادل فارسی فعل مقاربه «کاد» در ترجمه‌های قرآن

«کاد» با ۲۴ صیغه متعدد در ۲۴ آیه قرآن کریم آمده است. فعل مقاربه «کاد» در برخی از این آیات، حاوی معنی اراده کردن، میل داشتن و قصد داشتن برای به‌جا آوردن فعلی دیگر است که خبر «کاد» محسوب می‌شود و در برخی آیات حاوی معنی پیش‌بینی،

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

توقع، انتظار، امکان و احتمال وقوع فعلی که خبر «کاد» است، می باشد؛ البته هر دو مفهوم مذکور با معنی قرب و نزدیکی وقوع و حصول امر نیز همراه است. تمییز و تشخیص مفاهیم مذکور، با توجه به سیاق آیات، ژرف ساخت آن ها و اقتضای احوال، میسر می شود.

با عنایت به دلایل و ادله مذکور در بخش های پیشین، می توان دریافت که برای بیان مفاهیم فوق الذکر، یکی از مناسب ترین معادل ها در زبان فارسی برای «کاد»، فعل مقاربه «خواستن» است که با احتوای مستدل مفاهیم فوق و با انطباق کامل، آن مفاهیم را انتقال می دهد. در بندهای پیش رو، آیات مذکور، ذیل دو عنوان دسته بندی و با رویکردی تطبیقی و معنی شناختی، ساختار مناسب و دقیق فعل «خواستن»، متناسب و منطبق با ساختار صرفی فعل «کاد» در آیه مورد نظر، به عنوان معادلی گویا ارائه می شود. به دلیل محدودیت حجم مقاله، ترجمه هایی که ساخت های فعلی مصدر «خواستن» را در برابر «کاد» قرار داده است، ذکر و ضمن ارجاع خوانندگان به اصل ترجمه ها، میزان کاربرد مفاهیم دوگانه فعل «خواستن» در ترجمه های بررسی شده، جهت ارائه تحلیلی- آماری، در نمودار نمایش داده شده است.

۳-۱- کاد در معنای قصد داشتن و اراده کردن

در همه آیات ذیل، غرض از فعل «کاد» و معنای محمول بر آن، بیان قصد و اراده انجام قریب الوقت فعل (خبر) است، از سوی اسم «کاد» و غرض از نفی فعل «کاد» نیز، نفی قصد و اراده انجام قریب الوقت فعل از سوی اسم «کاد» است.

۳-۱-۱- ﴿إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ إِلَهِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مِنْ أَصْلُ سَبِيلًا﴾ (فرقان/۴۲)

معادل متناسب با معنا و منطق بر ساختار صرفی ماضی و مثبت «کاد»، فعل «می‌خواست»، است. در میان ترجمه‌های بررسی شده، طبری با معادل «همی‌خواهد» و نسفی با معادل «نمی‌خواهد مگر آن‌که» معادل «خواستن» را بدون در نظر داشتن صورت صرفی «کاد»، برابر آن برگزیده‌اند.

۳-۱-۲- ﴿وَ أَصْبَحَ قُودًا أُمُّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۚ إِنَّكَ دُثِّ لَتَبْدِي بِهِ لَوْ لَأَن رَّبَّنَا عَلٰی قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (قصص/۱۰)

معادل منطق بر ساختار صرفی «کاد»، «می‌خواست»، است که در ترجمه طبری به صورت «خواست» و در ترجمه نسفی به صورت «می‌خواستی» برابر «کاد» قرار گرفته است.

۳-۱-۳- ﴿قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّدُنَّوْلٍ ثَنِيَّةٌ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَوْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْأَنَّ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحْوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره/۷۱)

معادل منطق بر ساختار ماضی و منفی «کاد»، تعبیر «در حالی که نمی‌خواستند آن را انجام دهند»، است. معادل خواستن در ترجمه‌های ذیل برابر «کاد» قرار گرفته است: - «نمی‌خواستند انجام بدهند» (مصطفوی) - «و نمی‌خواستند بکنند» (قرشی) - «نمی‌خواستند آن را بکشند» (فیض‌الاسلام) - «و نخواستند که آن بکشند» (اسفراینی) - «و نه خواست [ند] که کنند» (طبری) - «و نزدیک نبودند نخواستند به کشتن که کنند» (دهم هجری) - «و نزدیک بودی و خواستندی که آن را نیابندی و نکشتندی» (مبیدی) - «هنوز می‌خواستند نکنند» (موسوی‌همدانی) - «و می‌خواستند نکنند» (پاینده).

۳-۱-۴- ﴿وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِسْمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمُ أَهْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاخَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمِّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَ كَادُوا يَفْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف/۱۵۰).

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

معادل منطبق بر ساختار صرفی «کاد»، تعبیر «می خواستند مرا بکشند»، است. ترجمه های رازی، دهم هجری و میبدی از معادل «خواستن» برابر «کادوا» استفاده کرده اند.

۳-۱-۵- ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيتَ إِلَيْكَ لَيَقْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرُهُ وَإِذَا لَاتَخَذُوكَ حَلِيلًا﴾ (اسراء/۷۳)

معادل منطبق بر «کاد»، تعبیر «می خواستند تو را بازدارند»، است. در ترجمه های زیر از ساخت های «خواستن» برابر «کادوا» استفاده شده؛ البته در ترجمه نسفی، ساختار مثبت فعل «کاد» ملحوظ نبوده است: - «می خواستند» (یاسری) - «خواستند» (اسفراینی) - «خواستند» (طبری) - «خواستندی و نزدیک بودی» (میبدی) - «نمی خواهند مشرکان، مگر که بگردانند» (نسفی).

در ترجمه بلاغی، فعل «اراده کردند» معادل «کاد» قرار گرفته است که صراحتاً مفهوم قصد و اراده انجام فعلی دیگر را در فعل «کاد» انتقال می دهد. این انتخاب از دریافت صحیح معنای محمول بر «کاد» در این آیه، حکایت دارد و به صراحت مؤید ادعای مطرح در این پژوهش است.

۳-۱-۶- ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لَيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء/۷۶)

معادل متناسب با معنا و منطبق بر ساختار صرفی «کاد»، تعبیر «می خواستند»، است. معادل «خواستن» در ترجمه های سراج، فیض الاسلام، امین، اسفراینی، طبری، میبدی و نسفی برابر «کادوا» قرار گرفته است؛ البته در ترجمه نسفی، ساختار مثبت فعل «کاد» ملحوظ نبوده است: «و نمی خواستند مگر» (نسفی).

در ترجمه بلاغی برای این آیه نیز، فعل «اراده کردند» معادل «کاد» قرار گرفته است که بر مفهوم قصد و اراده انجام فعل، تصریح دارد.

۳-۱-۷- ﴿وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ (جن/۱۹)

معادل منطبق بر ساختار صرفی و متناسب با معنای «کاد»، «می‌خواستند»، است. در ترجمه‌های نسفی، دهم هجری، طبری و صادق نوبری، «خواستند»، برابر «کاد» قرار گرفته است.

۳-۱-۸- ﴿وَلَوْ لَا أَن تَبْتَئَكَ لَقَدْ كِدْتَ تَوَكَّنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ (اسراء/۷۴)

برابر معنایی متناسب با فعل «کاد» در این آیه، تعبیر «می‌خواستی به‌سوی آن‌ها متمایل شوی»، است. در ترجمه‌های ذیل، معادل «خواستی»، برابر «کاد» انتخاب شده است: - «خواستی که میل کنی بر ایشان» (اسفراینی) - «خواستی که بجفاسیدی سوی ایشان» (طبری) - «خواستی گرایستن اندکی به ایشان» (نسفی).

در ترجمه بلاغی، برای این آیه نیز فعل «اراده می‌کردی»، معادل «کاد» قرار گرفته است.

۳-۱-۹- ﴿قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِين﴾ (صافات/۵۶)

تعبیر «می‌خواستی مرا هلاک کنی»، معادلی متناسب با معنا و ساختار فعل «کاد» است. در میان ترجمه‌های بررسی شده، طبری «خواستی» و نسفی «می‌خواستی» را معادل «کدت» برگزیده‌اند.

۳-۱-۱۰- ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ﴾ (طه/۱۵)

تعبیر «می‌خواهم آن را مخفی کنم»، معادلی متناسب با معنا و ساختار فعل «کاد» در آیه فوق است. این معادل در بسیاری از ترجمه‌های بررسی شده فارسی به استثنای دو ترجمه ذیل، با ساختاری مشابه استفاده شده است: - «خواستم که پوشیده‌کنم آن را» (طبری) - «نزدیک است [که بخوام] آن را پنهان‌کنم» (رضایی).

معادل «خواستن» در این آیه با معنای همانند و ساختار دستوری مشابه در ترجمه‌های ذیل به‌کار رفته است: آدینه‌وند، آیتی، قرشی، ارفع، اشرفی، الهی‌قمشه‌ای، انصاریان، بهرام‌پور، پاینده، موسوی‌همدانی، رضاخانی، بلاغی، حلبی، خرماشاهی،

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... — مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

خواجوی، رضایی، سراج، شعرانی، فولادوند، فیض الاسلام، جعفری، حجتی، مجتبی، امین، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی، مکارم، قرائتی، انصاری، اسفراینی، طبری، دهلوی و صفی‌علیشاه.

در ترجمه صفارزاده، «اراده دارم»، پورجواد، «اراده‌ام بر این است» و در ترجمه عبدالحمیدی و میزا خسروانی، «اراده کرده‌ام»، معادل «کاد» قرار گرفته است که صراحتاً مفهوم قصد و اراده انجام فعلی دیگر را در فعل «کاد» انتقال می‌دهد و مؤید ادعای مقاله است.

۳-۱-۱۱- ﴿يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَمَيَّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ﴾ (ابراهیم/۱۷)

تعبیر «نمی‌خواهد آن را فروبرد»، معادلی متعارف و منطبق بر مقصود فعل «کاد» در این آیه است. در ترجمه‌های بررسی شده، طبری «نخواهد» و عبدالحمیدی «نمی‌خواهد» را برابر «لایکاد» قرار داده‌اند.

۳-۱-۱۲- ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ (قلم/۵۱)

«می‌خواهند»، معادلی متناسب با مقصود «کاد» و منطبق بر ساختار صرفی آن است. ترجمه‌های ذیل ساخت‌هایی مضارع از مصدر «خواستن» را در این آیه، برابر «یکاد» برگزیده‌اند: - «و می‌خواهند» (نسفی) - «خواهند» (عاملی) - «و نزدیک است خواهند» (رازی) - «و اگر خواهند» (طبری).

۳-۱-۱۳- ﴿إِنَّمَا تَكُونُوا تَذَرِكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ (نساء/۷۸)

برابر معنایی متناسب و منطبق با «کاد» در این آیه، تعبیر «نمی‌خواهند دریابند»، است. این تعبیر با اختلافاتی اندک در ترجمه‌های ذیل استفاده شده است: فولادوند، قرشی،

بهرام‌پور، انصاریان، طاهری، کاویان‌پور، مجتبوی، آدینه‌وند، اسفراینی، دهم هجری و طبری.

۱۴-۱-۳- ﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بَشَرٌ مِّنْ ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ بَشَرٌ مِّنَ الْمَصِیْرِ﴾ (حج/۷۲)

تعبیر «می‌خواهند حمله برند»، معادلی منطبق بر «کاد» در آیه فوق است. از میان ترجمه‌های بررسی شده، ترجمه‌های ذیل، ساخت‌هایی از «خواستن» را برابر «کاد» برگزیده‌اند: - «می‌خواهند بر کسانی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند حمله برند» (طاهری) - «می‌خواهند به مؤمنین حمله‌ور شوند» (بروجردی) - «می‌خواهند با کسانی که آیات ما را بر آن‌ها خوانده‌اند، درافتند» (پاینده) - «می‌خواهند خود را بر آن‌ها افکنند» (عاملی) - «خواهند به کسانی که آیات ما را برایشان می‌خوانند حمله کنند» (خواجه‌ی) - «خواهند که حمله کنند» (دهم هجری) - «خواهند که بجهنم و بگیرند» (نسفی) - «خواهند تهنیت کنند» (طبری) - «خواستندی که فرا ایشان افتندی» (مبیدی).

۳-۲- «کاد» در معنای انتظار، ارتقاب، امکان و احتمال

در همه آیات ذیل، غرض از فعل «کاد» و معنای محمول بر آن، بیان انتظار و توقع قریب‌الوقوع فعل (خبر) است برای اسم «کاد» و غرض از نفی فعل «کاد» نیز، نفی امکان و احتمال قریب‌الوقوع خبر «کاد» است.

۱-۲-۳- ﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾ (مریم/۹۰)

معادل متعارف و مستعمل در زبان فارسی برای فعل «تکاد» در آیه فوق، «می‌خواهند»، است که با ساختار صرفی و معنا و مقصود آن تناسب دارد. البته برای افاده معنای توقع و انتظار مندرج در «کاد»، معادل‌های دیگری نیز در زبان فارسی استعمال و کاربرد دارد؛ اما با توجه به این‌که هدف مقاله حاضر، تبیین صحت استعمال و انطباق دستوری-

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

بلاغی ساخت‌های «خواستن» در برابر «کاد» است، تنها همین معادل معنایی در ترجمه‌ها مورد نظر بوده است.

معادل «خواستن» در ترجمه‌های زیر با رعایت صورت صرفی متناسب، استفاده شده و فقط در ترجمه طبری ملحوظ نبوده است: - «می‌خواهند آسمان‌ها که از فزع این سخن بشکافند و می‌خواهند زمین‌ها که همچنین شوند و می‌خواهند کوه‌ها که بریزند و بشکنند» (نسفی) - «خواهد آسمان‌ها که بشکافند ازین سخن و بشکافد زمین و بیفتد کوه‌ها افتادنی ریزه ریزه از نهیب» (دهم هجری) - «خواهد آسمان‌ها که بشکافد از آن و بلقد زمین و به روی اندر آید کوه‌ها، افتادنی به هیبت» (اسفراینی) - «خواست کاسمان‌ها پاره پاره گردد از آن گفتار و بشکافد زمین و بیوفتد کوه‌ها برآنچه گفتند» (طبری).

۳-۲-۲- ﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (شوری/۵)

موقعیت، معنا و معادل فارسی «تکاد» در این آیه نیز همچون آیه شریفه فوق است. در میان ترجمه‌های بررسی شده، فقط نسفی و ترجمه ناشناس از قرن دهم هجری ساخت‌های «خواستن» را برابر «کاد» در این آیه برگزیده‌اند: - «می‌خواهند آسمان‌ها که بشکافند» (نسفی) - «همی‌خواهد خواهرست بود نزدیک است که آسمان‌ها که بشکافند» (دهم هجری).

۳-۲-۳- ﴿تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ (ملک/۸)

معادل متداول و مستعمل در زبان فارسی برای «تکاد» در آیه فوق، «می‌خواهد»، است که در ترجمه‌های ذیل به کار رفته است: - «گویی از شدت غضب می‌خواهد متلاشی شود» (موسوی همدانی) - «می‌خواهد که از خشم پاره‌پاره شود...» (نسفی) - «و می‌خواهد که جدا شود از خشم...» (طبری) - «خواهد که پاره‌پاره گردد از خشم...» (میبیدی) - «و گوئی از شدت غضب می‌خواهد متلاشی شود...» (حجتی).

۳-۲-۴- ﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۲۰)

معادل متناسب و منطبق بر «یکاد» در این آیه «می‌خواهد»، است که در ترجمه‌های ذیل با این صور به‌کار رفته است: - «خواهد برق که رباید بینایی ایشان» (طبری) - «می‌خواهد دیدگان‌شان را برباید» (طاهری) - «می‌خواهد برق چشم‌های آنان را برباید» (بلاغی نجفی) - «خواهد آن برق که برباید چشم‌های...» (اسفراینی) - «خواهد آن برق درخشنده دیده‌های ایشان برباید» (میبدی) - «خواهدی درخش که ربایدی بینایی‌های ایشان را» (دهم هجری).

۳-۲-۵- ﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَ يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ﴾ (نور/۴۳)

معادل متناسب و منطبق بر «یکاد» در آیه فوق، تعبیر «می‌خواهد چشم‌ها را از بین ببرد»، است که در ترجمه‌های ذیل بدین صورت به‌کار رفته است: - «خواهد روشنی دیده‌ها را از بین ببرد» (کاویان‌پور) - «خواهد روشنی برق آن که ببرد به چشم‌ها» (طبری) - «خواهد روشنی دیده‌ها را از بین ببرد» (الهی قمشه‌ای).

۳-۲-۶- ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْدِ يَرِيهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور/۴۰)

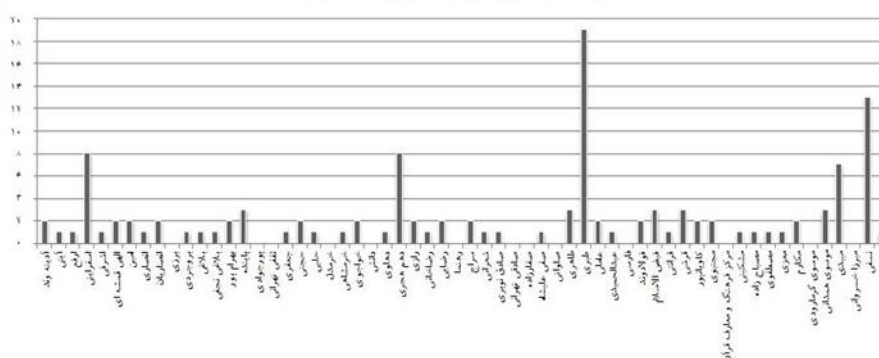
معادل متداول و مستعمل در زبان فارسی برای «لم یکد یریه‌ها» در این آیه، ساختار مستقبل صریح منفی از فعل «خواستن» و تعبیر «نخواهد دید»، است که به دقیق‌ترین صورت در ترجمه نسفی به‌کار رفته است: «یا همچون تاریک‌هایی در دریایی بسیار آب؛ فروپوشدش موجی از زیر موجی بی‌دریاب؛ از زیر وی ابری پربار، تاریک‌های

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

بعضی زیر بعضی بانبار؛ چون بیرون کند دستش را در آن حالت، نخواهد دید از غلبه ظلمت و هر که را خدای تعالی نور ندهد مرورا هیچ نور نبود». طبری نیز ساخت مضارع منفی «خواستن» را در برابر «لم یکد» به کار برده است: «نخواهد که ببیند آن را» (طبری).

برای افاده معنای امکان و احتمال مندرج در «کاد»، معادل‌های دیگری نیز در زبان فارسی استعمال دارد که در ترجمه این آیه نیز به کار رفته است. «ممکن نیست»، صریح‌ترین برابر فارسی برای فعل مقاربه «کاد» در این آیه است که در ترجمه‌های ذیل انتخاب شده است و صراحتاً مفهوم عدم امکان و احتمال قریب‌الوقوع خبر را در فعل «کاد» انتقال می‌دهد. این انتخاب از دریافت صحیح معنای محمول بر «کاد» در این آیه، حکایت دارد و مؤید یکی از فرضیات مطرح در این پژوهش است که جرجانی نیز در دلایل‌الاعجاز آن را تأیید می‌کند. وی در توضیح معنای «لم یکد» در این آیه می‌نویسد: «مقصود آیه این است که احتمال و امید رؤیت در آن تاریکی اصلاً وجود ندارد تا چه رسد به این که وقوع یابد» (۱۳۶۸: ۳۳۷). معادل مذکور در ترجمه‌های ذیل استفاده شده است: - «ممکن نیست آن را ببیند» (ترجمه‌های آدینه‌وند، بهرام‌پور، ارفع، عبدالحمیدی، حجتی، مکارم) - «دیدنش ممکن نیست» (پورجوادی) - «ممکن نباشد که ببیند آن دست را» (یاسری).

نیزان کاربرد مقایم دوگانه فعل خواستن در ترجمه‌های بررسی شده با احتساب تعداد طلعات



۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای تبیین مسئله محوری و پاسخ به سؤالات خود به نتایج زیر دست یافته است:

۱- با بررسی مختصات فعل مقاربه «کاد» در نحو و بلاغت عربی، می‌توان کارکرد بلاغی آن را در آیات متعدد قرآن کریم تحلیل و معنا و مفهوم آن را استخراج کرد. برای دریافت مفهوم صحیح «کاد» در آیات مختلف، قرائن قالیه و حالیه، اقتضای احوال و مقامات و سیاق کلی سخن که از لوازم اصلی بلاغت به‌شمار می‌آیند، نقشی اساسی بر عهده دارند.

۲- فعل «کاد» با معنای حقیقی و کارکردی خود، معانی و اغراض بلاغی متعددی را در آیات قرآن تأمین می‌کند که در ترجمه باید مورد توجه قرار گیرد و متناسب با آن، معادلی که بتواند اغراض اصلی آیات را انتقال دهد برگزیده شود.

۳- این فعل در برخی آیات قرآن حاوی معنی اراده کردن، میل داشتن و قصد داشتن برای به‌جا آوردن فعلی دیگر و در برخی آیات حاوی معنی پیش‌بینی، توقع، انتظار یا امکان و احتمال وقوع فعلی دیگر است.

۴- در ترجمه آیات متعدد، باید متناسب با ساختار زبان فارسی و همسو با سیاق کلی آیات و به اقتضای احوال حاکم بر آن‌ها، بهترین معادل انتخاب شود تا در القای معنای موردنظر، بیش‌ترین تأثیر را داشته باشد.

۵- برای فعل مقاربه «کاد» نمی‌توان در همه آیات، حتی در آیاتی که این فعل با ساخت مشابهی به‌کار رفته است، برابر فارسی مشابهی قرارداد. بافت‌های گوناگون موقعیتی و قرائن حالیه متغیر، احوال متفاوتی را در جملات مختلف ایجاد می‌کنند که در انتقال پیام به مخاطب تأثیرگذارند و در ترجمه و معادل‌گزینی نیز باید لحاظ شوند.

۶- یکی از مناسب‌ترین معادل‌ها برای فعل «کاد»، فعل مقاربه «خواستن» است که با احتوای مفاهیم چندگانه مذکور و با صورت‌های صرفی مشابه با «کاد»، کارکردی منطبق

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

با آن داراست و می تواند بار معنایی «کاد» را با دقایق و ظرایف معنایی همانند، در غالب بافت های موقعیتی، به درستی انتقال دهد.

۵- پی نوشت

۱- در پژوهش حاضر ترجمه های ذیل بررسی شده است: آدینه وند (کلمة الله العلیا)، آیتی، ارفع، اسفراینی (تاج التراجم فی تفسیر القرآن للعاجم)، اشرفی، الهی قمشه ای، امین (تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن)، انصاری، انصاریان، برزی، بروجردی، بلاغی (حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر)، بلاغی نجفی (پرتوی از قرآن)، بهرام پور (تفسیر یک جلدی مبین)، پاینده، پورجوادی، ثقفی تهرانی (روان جاوید در تفسیر قرآن مجید)، جعفری (تفسیر کوثر)، حجتی (گلی از بوستان خدا)، حلبی، خرمدل (تفسیر نور)، خرمشاهی، خواجوی، دانش (تفسیر کاشف)، دهلوی، دهم هجری، رازی (روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن)، رضاخانی و ریاضی (تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة)، رضایی، رهنما (ترجمه و تفسیر قرآن)، سراج، شعرانی، صادق نوبری، صادقی تهرانی (ترجمان فرقان)، صفارزاده، صفی علیشاه، صلواتی، طاهری، طبری (ترجمه تفسیر طبری)، عاملی (ترجمه و تفسیر قرآن)، عبد الحمیدی (ترجمه تفسیر جوامع الجامع)، فارسی، فولادوند، فیض الاسلام (ترجمه و تفسیر قرآن عظیم)، قرائتی (تفسیر نور)، قرشی (تفسیر احسن الحدیث)، کاویان پور، مجتبی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مشکینی، مصباح زاده، مصطفوی (تفسیر روشن)، معزی، مکارم، موسوی گرمارودی، موسوی همدانی (ترجمه تفسیر المیزان)، میبدی (کشف الاسرار و عدة الابرار)، میرزا خسروانی (تفسیر خسروی)، نسفی (تفسیر نسفی) و یاسری.

۲- «گرتبه برداری معنایی آن است که معادل یکی از معانی لفظ خارجی را به عنوان معادل همه معانی آن لفظ به کار ببرند» (نجفی، ۱۳۷۴: ده).

۳- ن.ک: شرح ابن عقیل، ج ۱: ۳۶۱-۳۶۲؛ ترجمه و شرح مبایة العربیة، ج ۴: ۱۰۴-۱۰۷؛ صرف و نحو عربی: ۱۱۲-۱۱۳.

۴- «ساخت هر جمله از دو سطح تشکیل می شود: ژرف ساخت و روساخت. درواقع، ژرف ساخت واحدها و نیز روابط دستوری زیربنایی را شامل می گردد که بر پایه آن معنی جمله و همچنین رابطه آن با جمله های دیگر زبان مشخص می شود. از این رو روشن است که ژرف ساخت واقعی انتزاعی است و در ذهن سخن گویند جای دارد و نقش اصلی آن یافتن معنی در صورت آوایی یا روساخت جمله است» (مشکوة الدینی، ۱۳۸۱: ۳۶).

- ۵- زمان وقوع فعل در این ساختار، زمان آینده است ولی ساختار صریح مستقبل (مضارع خواستن + مصدر مرخم) را دارا نیست؛ لذا عنوان مستقبل غیرصریح را برای انتقال مفهوم آن مناسب دیدیم.
- ۶- این اثر به اعتقاد مصحح آن، محمد جواد شریعت، کهن‌ترین دستور زبان فارسی مستقل است که به زبان فارسی نوشته شده و از مواردی برخوردار است که تازگی دارد و کتاب را ارزشمند کرده است. وی منهاج‌الطلب را کتابی علمی می‌داند و مطالعه آن را به دست‌اندرکاران دستور زبان فارسی توصیه می‌کند (ن.ک: زینیمی، ۱۳۶۰: سه و چهارده؛ شریعت، ۱۳۵۹: ۵۸۱-۵۸۷).

۶- منابع

* قرآن کریم

- ۱- آسه، جواد، «درنگی در ترجمه فعل‌های کاد/ یکاد، لایکاد و لم یکد در ترجمه‌های قرآن»، معرفت، ش ۱۶۴، صص ۷۱-۸۲، (۱۳۹۰ش).
- ۲- ابن عقیل، بهاء‌الدین عبدالله، شرح ابن عقیل، سید حمید طبیبیان، ج ۱، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۶ش).
- ۳- احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی: فعل، تهران: قطره، (۱۳۸۴ش).
- ۴- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۹ش).
- ۵- بناء یزدی، آخوند ملا علی اکبر، شرح و ترجمه سیوطی در نحو، تهران: مرتضوی، (بی‌تا).
- ۶- بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، (۱۳۷۰ش).
- ۷- جرجانی، عبد القاهر، دلائل الاعجاز فی القرآن، ترجمه سید محمد رادمش، مشهد: آستان قدس رضوی، (۱۳۶۸ش).
- ۸- حسن، عباس، النحو الوافی، ج ۱، قاهره: دارالمعارف، (۱۹۶۶م).
- ۹- حسین، محمد بشیر، فعل مضارع در زبان فارسی، لاهور: اظهار سنز، (۱۹۷۵م).
- ۱۰- حسینی، سیدعلی، ترجمه و شرح مبادی العربیة، ج ۴، قم: دارالعلم، (۱۳۷۱ش).
- ۱۱- حسینی طهرانی، سیدهاشم، علوم العربیة (علم النحو)، بی‌مک: مفید، (۱۴۰۹ق).
- ۱۲- حوفی، احمد، «معنی کاد فی الاثبات و النفی»، مجمع اللغة العربیة، جزء ۳۳، صص ۵۸-۶۵، (۱۳۹۴ق).
- ۱۳- خیامپور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، تهران: کتابفروشی تهران، (۱۳۷۵ش).

تبیین کارکرد مقاربه «خواستن» به عنوان معادلی گویا برای فعل مقاربه «کاد»... _____ مریم رشیدی و سیده مریم روضاتیان

- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران. (۱۳۷۳ش).
- ۱۵- دیباجی، ابراهیم، *بداية البلاغة*، تهران: سمت، (۱۳۷۶ش).
- ۱۶- رادمش، سیدمحمد، *نحو برای دانشجو*، مشهد: آستان قدس رضوی، (۱۳۷۰ش).
- ۱۷- زمخشری، ابوالقاسم، *المفصل فی النحو*، بیروت: دارالجلیل، (بی تا).
- ۱۸- زینمی، محمد، *منهاج الطالب*، به کوشش محمدجواد شریعت، اصفهان: مشعل، (۱۳۶۰ش).
- ۱۹- سلیمی، علی و دیگران، «تحلیل کاربردهای فعل کاد در قرآن کریم با نگاهی به آرای مفسران»، *پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ش ۶، صص ۱۳-۲۸، (۱۳۹۲ش).
- ۲۰- سیدی، سید حسین، *رویکرد زبان شناختی به نحو عربی*، مشهد: دانشگاه فردوسی، (۱۳۸۷ش).
- ۲۱- شریعت، محمدجواد، «*منهاج الطالب* یکی از کهن ترین دستورهای زبان فارسی»، *آینده*، سال ۶، ش ۷ و ۸، (۱۳۵۹ش).
- ۲۲- شیرخانی، محمدرضا؛ چعباوی، ناصر، «بررسی تطبیقی فعل مقاربه «کاد/ یکاد» از دیدگاه زبان شناسی»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۱، ش ۱، صص ۶۹-۸۴، (۱۳۹۳ش).
- ۲۳- طبیبیان، سید حمید، *برابره های دستوری در عربی و فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۸۷ش).
- ۲۴- فرزانه، سید بابک، «معنای فعل کاد در قرآن»، *صحیفه مبین*، ش ۳۷، صص ۱۰۵-۱۱۰، (۱۳۸۵ش).
- ۲۵- فرشیدورد، خسرو، *دستور امروز*، تهران: صفی علیشاه، (۱۳۴۸ش).
- ۲۶- ماهیار، عباس، *صرف و نحو عربی*، ویرایش ۲، تهران: سمت، (۱۳۷۸ش).
- ۲۷- مشکوة الدینی، مهدی، *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*، تهران: سمت، (۱۳۸۶ش).
- ۲۸- مشکوة الدینی، مهدی، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد: دانشگاه فردوسی، (۱۳۸۱ش).
- ۲۹- مشکور، محمدجواد، *دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی*، تهران: شرق، (۱۳۶۶ش).

- ۳۰- ناتل خانلری، پرویز، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: توس، (۱۳۸۸ش).
- ۳۱- نجفی، ابوالحسن، غلط ننویسیم، مرکز نشر دانشگاهی: تهران، (۱۳۷۴ش).
- ۳۲- هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، مصر: السعة، (۱۹۳۱م).
- ۳۳- همایون فرخ، عبدالرحیم، دستور جامع زبان فارسی، تهران: علی اکبر علمی، (بی تا).